

## بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری - 27 / بهمن / 1379

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت آقایان محترم خوشامد عرض می‌کنم و امیدوارم که خداوند متعال این تلاشهای خالصانه‌ای را که در این مجامع و از طرف حضرات محترم صورت می‌گیرد، مشمول قبول و رحمت خود قرار دهد و به همه اجر عنایت کند. از بیانات آقایان هم بهره‌مند شدیم؛ بخصوص نصایح بسیار گرانبهائی که حضرت آقای مشکینی بیان فرمودند، برای ما بسیار مغتنم و عزیز محسوب می‌شود. امیدواریم که خداوند ما را اهل قرار دهد تا بتوانیم از این نصایح کافیه و وافیه استفاده کنیم. بنده هم در آغاز عرایض لازم می‌دانم، هم این ایام مبارکه دهه فجر را به آقایان محترم تبریک عرض کنم، و هم از مردم عزیزمان به خاطر حرکت عظیمی که در روز بیست و دوم بهمن از خود نشان دادند، تشکر کنم. این راهپیمایی در واقع شادابی انقلاب و حضور حقیقی مردم را - که در طول سالهای متمادی گره‌گشایی بسیاری از مشکلات بوده است - نشان داد و طمع‌کنندگان را خاسر و ناکام کرد.

در مورد این انقلاب عظیم، به نظر من باید یک نکته همواره مورد توجه باشد و آن این است که این انقلاب حرف نوبی را در جهان بشریت مطرح کرد. سعی بر این است که این حرف تازه و نو را که در دنیای امروز کاملاً بدیع و جدید است، از صحنه خارج کنند و ذهنهای مردم، بخصوص جوانان را در همه عالم از این مقوله منصرف نمایند. آن حرف نو این بود که انقلاب، علیه حکومت‌های مبتنی بر ناپرهیزگاری و ظلم قیام کرد. قرنهای متمادی در همه جای عالم - چه در ایران و چه در نقاط دیگر - ما شاهد بودیم و امروز هم هستیم که ملتها عادت کرده‌اند حکومت‌های ناپرهیزگار و حکومت‌هایی را که انواع و اقسام ظلم از آنها سر می‌زند، مشروع بدانند و قبول کنند و تسلیم آنها شوند؛ چه حکومت‌های موروثی که هیچ مبنای اعتقادی و فکری ندارند و هیچ منطقی دنبال آنها نیست؛ چه حکومت‌های مبتنی بر کودتا و زورگویی و قدرت نماییه‌های نامشروع که آن هم هیچ منطقی دنبالش نیست و چه حکومت‌های علی‌الظاهر مبتنی بر آراء مردم که اولاً علی‌الباطن و فی‌الحقیقه مبتنی بر آراء و میل و خواست مردم نیست و ثانیاً آنهایی هم که در آغاز ورودشان چنین خصوصیتی را دارند، از انواع و اقسام تجاوزها و ظلمها پرهیز نمی‌کنند. شما به صحنه عالم در دو قرن نوزدهم و بیستم نگاه کنید و ببینید چقدر ظلم و استعمار و نسل‌کشی و شایع کردن انواع و اقسام فسادها در میان ملت‌های گوناگون به چشم می‌خورد. همیشه دست همین قدرتها پشت چنین کارهایی بوده است؛ همین قدرتهایی که در کشورهای خودشان احیاناً ممکن است یک پوشش ظاهری موسوم به دموکراسی هم داشته باشند؛ اما دموکراسی همه چیز نیست و در آن، عدل - که اساس حکومت صحیح است - وجود ندارد.

حکومت اسلامی و انقلاب اسلامی این حرف نو را مطرح کرد که حاکم و حکومت و قدرت سیاسی باید مبتنی بر پرهیزگاری، عدالت و حقیقت باشد. قانون اساسی بر این مبنا شکل گرفت. این حادثه بسیار مهمی در عالم است. این همان چیزی است که سال‌های متمادی، از زمان «سید جمال» به این طرف، روشنفکران و نوآوران دینی درباره آن حرف می‌زدند و آن را می‌خواستند و آرزو می‌کردند؛ و همین حرف زدن و مطلب نوشتن و شعار دادن، خواب قدرتمندان عالم را برمی‌آشفته و آنها را عصبانی و وادار به عکس‌العمل می‌کرد. شما ببینید با روشنفکران اسلامی در همه مناطق اساسی اسلامی - اعم از مصر و هند و ایران و عراق و جاهای دیگر - در طول این صد سال، صدوپنجاه سال و دویست سال چه کردند.

استعمار و استعمار، هم به طور مستقیم و هم غیرمستقیم اعمال قدرت می‌کردند. کسی مثل مرحوم آیه‌الله کاشانی را انگلیسیها گرفتند و از ایران تبعید کردند؛ یعنی برایشان هیچ اهمیتی نداشت که در یک کشور دیگر اعمال قدرت کنند و یک نفر را بگیرند و او را به نقطه‌ای تبعید کنند و یا به زندان بفرستند. همین طور در بسیاری از مناطق دیگر به طور غیرمستقیم به وسیله ایادی و دست‌نشانده‌های خودشان - یعنی قدرتهای محلی که منافع آنها را تأمین می‌کردند - اعمال قدرت می‌کردند. اینها از شعارهای اسلامی، این گونه می‌ترسیدند. در حال حاضر این شعارها به واقعیت تبدیل شده است؛ یعنی به یک انقلاب تبدیل گردیده که بلافاصله پشت سر آن هم حکومت اسلامی بر سر

کار آمده است.

البته مثل بسیاری از انقلابهای دیگر، انتظار آنها این بود که این انقلاب هم اگرچه با حول و قوه دین شروع شده است، اما اهل دین آن را کنار بگذارند و بروند؛ کما این که در بسیاری از نقاط عالم نیز همین اتفاق افتاد. بسیاری از این نهضت‌های آزادیبخش و مبارزات ضد استعماری، به وسیله علما و اهل دین به وجود آمد؛ لیکن اهل دین بعد از آن که یک مقدار جلو رفتند، اندکی قبل از پیروزی یا پس از آن، کنار کشیدند.

علل کنار رفتن آنها چه بود؟ انواع و اقسام عوامل وجود داشت. گاهی ساده اندیشی بود؛ گاهی از میدان خارج شدن به زور بود؛ گاهی از میدان خارج شدن با تبلیغات دشمن بود - که اینها را تمسخر می کردند و مورد تهاجم قرار می دادند - گاهی با سرگرم کردن اینها به مسائل گوناگون بود؛ که ما نمونه اش را در الجزایر و بعضی از کشورهای شمال آفریقا دیدیم، که حتی حکومت دینی هم در آن جا تشکیل شد - مثل کشور تونس - اما بعد از اندک مدتی به خاطر اشتباهاتی که می شد، آن حکومت‌های دینی از هم پاشید و یک عده از افرادی که خودشان عامل استعمار در همان کشورها بودند، بر سر کار آمدند. در هند نیز همین طور شد؛ یعنی رهبران مذهبی در وسط راه، کار را رها کردند. در مصر هم کم و بیش همین وضعیت پیش آمد؛ در عراق هم نظیر این وضعیت اتفاق افتاد. امیدوار بودند که در ایران هم این گونه شود؛ حتی یکی از همین کسانی که به برکت انقلاب وارد میدان شده بود، ولی پرورش یافته فکر غربی بود، در همان اوایل انقلاب به امام توصیه کرد که شما به قم بروید و مشغول کارهای خودتان باشید، ما هم در این جا مملکت را اداره می کنیم! آنها این امید را داشتند، اما نشد. دیدند عزم راسخ و کوه استواری پشت سر این حرکت وجود دارد؛ مردم هم رها نمی کنند و با معرفت و آگاهی آمده اند. طبعاً انواع و اقسام توطئه ها شروع شد، که تا امروز هم ادامه دارد. بنابراین، این حرف نو در دنیا رایج شد؛ اگرچه هجوم تبلیغات هم از همه طرف شروع گردید. این تبلیغات فرهنگی و این تهاجم فرهنگی چیز جدیدی نیست؛ آنچه که جدید بود - که ما در این چند سال بر روی آن تکیه کردیم - روش‌های نویی بود که در داخل کشور شروع شد و هنوز هم ادامه دارد. در دنیا تهاجم فرهنگی علیه انقلاب، از تهاجم سیاسی و اقتصادی سریعتر و همه گیرتر و همه جایی تر بود. انواع و اقسام کارها را کردند؛ چقدر علیه اسلام و انقلاب و مبانی اسلامی و مبانی شیعی، که فکر می کردند در پدید آمدن این انقلاب نقش داشته، فیلم ساختند - که امروز آن را به رایانه و اینترنت هم کشانده اند - و همه کارهایی را که می توانستند، انجام دادند؛ برای این که جلو این سخن نو را - یعنی این که باید قدرت سیاسی در کشور در دست انسان‌های پرهیزگار و عادل باشد و شرط این اقتدار سیاسی، پرهیزگاری و عدالت باشد - بگیرند. این سخن نو چیزی است که هر صاحب قدرتی را در دنیا تکان می دهد و هر دستگاهی را که از قدرت، انتفاع مادی می برد، دچار وحشت می کند. لذا همه جای دنیا با این فکر مخالفند.

چه کسانی با این فکر موافقت؟ انسان‌های مظلوم و محروم و طبقات مختلف مردم؛ کسانی که از رنج ظلمها و ناپرهیزگاریها، مدت عمرشان را در انواع سختیها می گذرانند. به طور طبیعی پشتوانه و عقبه انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی، توده های عظیم مردمند؛ در درجه ی اول در کشورهای اسلامی و سپس در همه جای دنیا؛ آن جایی که این حقیقت معلوم شود. در خط مقدم دشمنان این انقلاب و این حکومت هم، قدرتمداران سیاسی ای هستند که نمی توانند کارشان را بر اساس پرهیزگاری و عدالت پیش ببرند. این حرف نویی است که انقلاب آورده؛ این سخن نویی در دنیا است؛ ما نباید این سخن نو را رها کنیم.

امروز ما تجربه های زیادی داریم. بیست و دو سال از پیروزی انقلاب گذشته است؛ اما نباید همیشه از این منظر نگاه شود که چون از مبدأ انقلاب دور شده ایم، پس انگیزه ها و ایمانها در ما و مردم ضعیف شده است. البته این هم باید به عنوان بخشی از مجموعه عوامل تأثیرگذار بر روی کل قضایا مورد توجه قرار گیرد؛ اما در کنار این، مسائل بسیار مهم دیگری هم وجود دارد که آنها هم باید مورد توجه قرار گیرد. ما امروز تجربه های زیادی داریم؛ مدیران خوبی داریم؛ جوانان خوبی داریم؛ صاحب فکرهای خوبی داریم؛ طلاب و فضلای جوان آماده به کاری در داخل میدان داریم؛ نسل عظیم جوانان تشنه اسلام را داریم.

درباره جوانان باید درست قضاوت کرد. نباید فقط چهار نفر جوانی را دید که فرضاً تظاهر ضد دینی می کنند؛ گو این

که تظاهر ضدّ دینی هم همه جا به معنای بی دینی و بی ایمانی نیست؛ بالأخره فلتّه است و پیش می آید؛ در موارد زیادی لمم است. وقتی یک میدان دینی پیش بیاید، اگر شما همین جوان را مورد ملاحظه قرار دهید، می بینید که به خاطر مظاهر دینی، سینه چاک می کند و به سمت اصالت‌های دینی می رود. اینها واقعیت است؛ خیالات نیست. ما نباید آن نقطه منفی را در کنار نقطه مثبت ننهاده، محاسبه کنیم. نه این که ما نقطه منفی را انکار می کنیم؛ نه، نقاط مثبت فراوان است. امروز جوان‌های فراوانی در این کشور هستند که بدون این که من و شما بدانیم و از آنها خواسته باشیم، بدون این که یک ریال کمک مالی به آنها بکنیم و یا یک آفرین به آنها بگوییم، در گوشه و کنار - در مساجد، در پایگاه‌های مقاومت، در مجموعه دانشگاه‌های کشور، در دانشگاه‌های تهران، در بخش‌های مختلف کارگری و غیره - تلاش دینی می کنند و از همان معنویتی که وجود دارد، الهام می گیرند.

عزیزان! حضرات محترم! ما به هر حال در انقلاب و در نظام جمهوری اسلامی نقاط قوّت و ضعفی داریم. باید این نقاط قوّت را تقویت و آن نقاط ضعف را بتدریج کم کنیم. می توان فهرستی از نقاط قوّت را در مقابل خود گذاشت و در کنارش هم نقاط ضعف را چید. غالباً هم روی این مسائل، کار و فکر شده است؛ یعنی چیزهایی نیست که نشود اینها را شناخت. ساز و کار حرکت عالم و حرکت جوامع، یک ساز و کار کاملاً پیچیده است؛ یعنی صرف این که ما مشکلات را بدانیم، دلیل بر این نیست که این مشکلات رفع شود؛ نه، همه ما انسان هستیم؛ انسان هم در حال یک مجاهدت دائمی است و به آن احتیاج دارد. همیشه باید با شیطان نفس و با شیطان خارجی موجود که راه خلاف را ترویج می کند، مبارزه کرد؛ یعنی همیشه یک مبارزه و یک مجاهدت دائمی و آگاهانه و هوشیارانه لازم است. سعی کنیم کمتر اشتباه شود. زمینه های پیشرفت بسیار زیاد است.

یکی از نقاط قوّتی که باید بر روی آن زیاد تکیه کرد، گسترش اسلام در همه زمینه های زندگی است. این مسأله بسیار مهمی است. همین چیزی که در قانون اساسی ما وجود دارد و امروز مبنا و قرار اصلی حکومت ماست - که همه چیز از منبع اسلام سرچشمه می گیرد - این را باید تقویت کرد. البته تقویت این نقطه قوّت، با تبلیغات و گفتن و اصرار ورزیدن و مجاهدت کردن برای این که نتوانند آن را از بین ببرند یا مخدوش کنند، تا حدود زیادی حاصل می شود؛ اما مجاهدت فقط این نیست. باید در میدان‌های عظیم زندگی، نظرات و فتاوای اسلام از میان آثار اسلامی گرفته شود. ما مجتهدان بزرگی داریم؛ فکرها و مغزهای فعالی داریم؛ زمینه های خوبی برای اجتهاد داریم؛ لذا در همه زمینه ها، اجتهاد باید هرچه بیشتر فعال بشود.

ما امروز در بسیاری از زمینه ها احتیاج داریم که وارد میدان اجتهاد شویم و حکم آنها را از اسلام بگیریم. باید علمای بزرگ، علمای حوزه ها، اعضای مجلس خبرگان و دبیرخانه خبرگان در زمینه های مربوط به خودش، به صورت دقیق و کاملاً عالمانه و فنی این کارها را بکنند تا کار دست نااهل نیفتد. اگر شما در همه زمینه ها، آن فکر ناب اسلامی را از منابع صحیح استخراج کنید و در معرض افکار مردم، جویندگان، خواهندگان و بخصوص جوانان قرار دهید، فلان آدمی که نه خبری‌تبی دارد، نه آگاهی ای دارد و نه خودش در باطن خودش ادعایی دارد، دیگر در نمی آید یک کلمه حرفی بزند تا افراد مغرض برایش کف بزنند و او هم به ریش بگیرد که بله، ما هم در این زمینه حرفی زده ایم، و از این طریق مسأله بی درست شود!

ما نقاط قوّت فراوانی داریم. یکی دیگر از نقاط قوّت ما همین ایمان همراه با عواطف مردم است. ایمان مردم، ایمان عمیقی است. البته این مخصوص ملت ما نیست؛ شما اگر به کشورهای مسلمان شوروی سابق نگاه کنید، می بینید بعد از هشتاد سال که در این کشورها دائماً علیه مذهب کار شد، وقتی اینها از زیر بار حکومت کمونیستی شوروی خارج شدند، به طور طبیعی همه به طرف اسلام گرایش پیدا کردند. البته این که بعداً داعیان و مبلغان اسلام بتوانند کار کنند، نتوانند کار کنند، چگونه کار کنند و یا با چه عمقی کار کنند، مسأله بعدی است. بنابراین ایمان مردم، ایمانی نیست که با این چیزها از بین برود.

در کشور خود ما سال‌های متمادی علیه ایمان مذهبی با دو شیوه متنوع مبارزه کردند. یک شیوه، شیوه رضاخانی، با قلدری و زور و سر نیزه؛ و یک شیوه، شیوه مدرن فرهنگی دوره محمدرضا شاهی. انواع و اقسام روشها را به کار بردند، برای این که مردم را از دین منصرف کنند؛ اما شما ببینید بعد از گذشت پنجاه سال از حکومت ظالمانه آنها، آن

حرکت عظیم اسلامی اتفاق افتاد. ایمان مردم این گونه عمل می کند. ما باید روی ایمان مردم این طور حساب کنیم. این یکی از نقاط قوت ماست. این ایمان هرچه آگاهانه تر شود و هرچه با مشاهده رفتار و گفتار و عمل ما پایه اش محکمتر گردد، برای این انقلاب پشتوانه بهتری خواهد بود.

کمتر کشوری هم وجود دارد که توانسته باشد ایمان را این طور به صحنه بیاورد. شاید از اختصاصیات کشور ما این باشد که در این جا ایمان با عواطف و عشق و شور و هیجان همراه است؛ عواطف نسبت به اهل بیت و بزرگان دین. نتیجه ایمان همراه با عواطف این است که مردم آن چنان محکم پایه های این انقلاب و این نظام را نگه داشتند که دستگاہهای خارجی با همه ثروت علمی شان نتوانستند کار زیادی بکنند. لذا به این خرده کاریها رو آورده اند، که شما بعضی از مظاهرش را هم مشاهده می کنید.

البته مقصود من از این حرف این نیست که بخواهم نگرانی کسانی را از مسائل فرهنگی کشور کاهش دهم؛ نخیر، من از همه شما نگرانترم؛ از زمان حیات مبارک امام هم من همیشه نگران مسائل فرهنگی بوده ام. بنابراین لازم است نگرانی باشد؛ اما علاج نگرانی مبارزه است؛ مبارزه ی در خور و شایسته، ورود در میدان، فکر کردن - این میدان، میدانی است که بیش از همه میدانها، فکر در آن اهمیت دارد - مطالعه کردن، کار خبره وار انجام دادن، بموقع وارد میدان شدن، دشمن را کاملاً شناختن و روشهای او را سنجیدن.

امروز دشمن از همه روشها استفاده می کند. من دیروز در جمع جوانها می گفتم که امروز صدها سایت اصلی و هزاران سایت فرعی در اینترنت وجود دارد که هدف عمده شان این است که تفکرات اسلامی و بخصوص تفکرات شیعی را مورد تهاجم قرار دهند. تهاجم هم تهاجم استدلالی نیست؛ از روشهای تخریبی و از روشهای روانشناسانه و غیره استفاده می کنند. همه اینها پاسخ دارد؛ پاسخهای هم مشکل نیست؛ بایستی از این وسایل استفاده کرد. باید از آنچه که در اختیار داریم، حداکثر استفاده را بکنیم. ما نه از صدا و سیما، نه از مطبوعاتمان و نه از بسیاری از منابر عظیم عمومی مان، چنان که باید و شاید، استفاده نمی کنیم. این ضعفهای ماست؛ این ضعفها را بایستی کم کنیم. باید روزبه روز نقاط ضعف را کم و نقاط قوت را زیاد کرد؛ و این ممکن است.

مسائل کشور ما دو نوع است: مسائل عام و همیشگی و مسائل موسمی. دشمن برای ضربه زدن به کشور و نظام اسلامی، هم از وسایل عام و همیشگی و هم از وسایل موسمی استفاده می کند. دشمن در هر فصلی ملاحظه می کند که چه کار باید کرد؛ مثلاً نزدیک فصل انتخابات چه کار باید کرد. البته دشمن که می گوئیم، همیشه دستگاہ جاسوسی امریکا نیست. گاهی سر نخ در دست آنهاست، اما بازیگران کسانی هستند که گاهی خودشان هم نمی فهمند بازی خورده اند و نمی دانند به اشاره دست چه کسی حرکت می کنند.

به نظر من آنچه که امروز بیش از هر چیز مورد توجه آنهاست - تا قبل از انتخاباتی که چند ماه دیگر در پیش داریم - مسأله آفریدن التهاب سیاسی است. مردم را از لحاظ سیاسی دچار التهاب کردن، نگران کردن، سرگرم مسائل کوچک کردن، به جان همدیگر انداختن جناحها، مسائل کوچک را بزرگ کردن. این جزو برنامه هاست؛ می خواهند کاری کنند که فضای کشور، فضای تب آلود شود. مبارزه ی با این برنامه، سعی در آرام نگه داشتن فضای عمومی و فضای سیاسی کشور است. همه باید در این جهت حرکت کنند. به هیچیک از حرکات و اظهاراتی که به معنای التهاب آفرینی باشد، نباید میدان داده شود. بخصوص مطبوعات باید به این نکته توجه کنند. دستگاہهای مختلف و قوای سه گانه باید حیثیت، شخصیت و حدود قانونی هم را حفظ کنند و همدیگر را تضعیف نکنند؛ که متأسفانه گاهی در گوشه و کنار چیزهایی در این زمینه دیده می شود. البته به گمان زیاد، ناشی از غفلت است؛ اما باید توجه داشت که این غفلتها بسیاری از اوقات در اختیار و مورد استفاده دشمنان قرار می گیرد.

امیدواریم که خداوند متعال به همه ما توفیق دهد تا بتوانیم آنچه را که وظیفه ماست و این مسؤولیت سنگین بر دوش ما می گذارد، در وقت خود و به بهترین وجهی انجام دهیم و ان شاءالله در پیشگاه سؤال الهی و در مقابل اولیای بزرگ الهی روسفید باشیم و همه شما و ما و همه مسؤولان و همه مردم عزیز ایران، مشمول ادعیه زاکیه حضرت بقیةالله ارواحنافداه باشند.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته